



بررسی ویژگی‌های عام و خاص «امت‌ها» و «امت اسلامی» از منظر آیات قرآن

نسرين انصاریان^۱

چکیده

یکی از آموزه‌های قرآن کریم توجه به برتری امت اسلام بر سایر امت‌ها است؛ این آموزه قرآنی از طرق مختلف قابل اثبات است، از جمله آنها، بررسی «ویژگی‌های عام امت‌ها» و «ویژگی‌های خاص امت اسلامی» است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع لغوی، تفسیری، علوم قرآنی و روایی صورت گرفت؛ به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که: ویژگی‌های عام و خاص «امت‌ها» و «امت اسلامی» از منظر آیات قرآن چیست؟ داده‌های پژوهش این است: ویژگی‌های مشترک (عام) بین همه امت‌ها عبارتند از: داشتن رسول، برخوردار بودن از شرایع مختلف، هدایتگر یا مجادله‌گر بودن، صاحب اجل بودن، محشور شدن در سرای قیامت و شاهد داشتن؛ ویژگی‌های خاص امت اسلامی نیز عبارتند از: بهترین امت، امت وسط، شاهد بر مردم بودن و برخوردار بودن از صفات نیک امت‌های قبل.

واژگان کلیدی

بررسی، ویژگی‌های عام امت‌ها، ویژگی‌های خاص امت اسلامی، آیات قرآن.

۱. مقدمه

امت اسلام، منسوب به آخرین پیامبر الهی است؛ از این رو به حکم عقل باید ویژگی‌های مثبت این امت، نسبت به سایر امت‌ها، کامل‌تر بوده؛ و به تبع آن، برترین امت به شمار آید؛ همین امر موجب شده که نویسندگان و دانشوران اسلامی به ابعاد مختلف موضوع امت اسلامی بپردازند و نوشته‌های فراوانی را در این رابطه به رشته‌ی تحریر در آورند. از کتاب‌هایی که در این رابطه نوشته شده، می‌توان از باب نمونه از دو نوشته‌ی ذیل نام برد:

- کتاب «امت اسلامی» که توسط جمعی از فرهیختگان و اندیشمندان جهان اسلام نوشته شده و در سال ۱۳۹۱، توسط انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی به چاپ رسید، این کتاب در بر دارنده‌ی مجموعه مقالات بیست و سومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی برگزار شده در سال ۱۳۸۸ است، هدف همایش مذکور، برداشتن گامی مثبت در زمینه‌ی عمل به مضامین وحدت و تقریب امت اسلامی بود.

- کتاب «امت اسلام» نوشته‌ی حسن رحیم پور ازغدی که انتشارات انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۷، آن را به چاپ رسانده؛ نویسنده در این کتاب، تلاش کرده شبهات پیرامون وحدت را با استفاده از سیره و کلام اهل بیت علیهم‌السلام پاسخ دهد.

مقالات فراوانی نیز در رابطه با این موضوع یا نزدیک به آن نوشته شده از جمله:

- مقاله‌ی «پیوستگی در امت اسلامی» نوشته حیب الله بابایی که در مجله نقد و نظر (شماره ۲، ص ۳۵-۵۹) در سال ۱۳۹۳، به چاپ رسید، در این مقاله برجسته‌ترین عناصر مشترک بین امت اسلام در مقیاس فردی و اجتماعی بیان شده است.

- مقاله‌ی «امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین» نوشته‌ی نقی غیائی و قدرت‌الله نیازی که در مجله‌ی مطالعات تفسیری (شماره ۲۵، ص ۶۱-۸۲) در سال ۱۳۹۵، به چاپ رسید، این مقاله ضمن بازخوانی دیدگاه‌های مطرح درباره‌ی امت وسط آنها را در بوت‌هی نقد گذاشته است.

- مقاله‌ی «مبانی و روش‌های قرآن در گسترش دین و توسعه‌ی جغرافیایی امت اسلام»



توسط احمد آقایی زاده ترابی که در مجله‌ی پژوهش‌های قرآنی (شماره‌ی ۳، ص ۶۹-۸۸) در سال ۱۳۹۹، به چاپ رسید، در این پژوهش هشت مبنا و ده روش قرآنی برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌ی دینی و توحیدی امت اسلام شناسایی شده است.

تنوع موضوعی در نوشته‌های مربوط به «امت اسلامی» حاکی از اهمیت آن در ابعاد مختلف است، اما به دلیل اینکه افزایش جمعیت مسلمانان، از جمله دغدغه‌های جامعه‌ی اسلامی در عصر حاضر محسوب می‌شود؛ شایسته است برتری امت اسلامی نسبت به سایر امت‌ها مشخص گردد؛ که یکی از راه‌های آن، بررسی تحلیلی «ویژگی‌های عام و خاص امت‌ها و امت اسلامی از منظر آیات الهی» است، هدف این نوشته بررسی این مسئله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع لغوی، تفسیری، علوم قرآنی و روایی است، که در قالب دو محور «ویژگی‌های عام امت‌ها» و «ویژگی‌های خاص امت اسلام» به صورت مستقل از هم، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم شناسی

ریشه‌ی واژه‌ی امت، «ام م» است که برخی لغویان آن را به معنای اصل می‌دانند (زبیدی، ۱۴۱۴: ۶/۳) برخی نیز دامنه‌ی گسترده‌تری برای آن قائلند و آن را به معنای اصل، مرجع، جماعت و دین دانسته‌اند و معتقدند که همه‌ی این معانی متقارب هستند (ابن فارس، ۱۴۰۱: ۲۱/۱) جمع‌بندی کلام لغویان این است که واژه‌ی امت به معنای محدوده‌ی خاصی است که هدف اصلی و واحدی را دنبال می‌کند؛ این محدوده می‌تواند گروهی از افراد یا محدوده‌ی خاصی از زمان یا مکان باشد، همان‌طور که برخی از لغویان گفته‌اند: در کلام عرب واژه‌ی امت گاهی به معنای محدوده‌ای از مکان است مانند: «كَمْ أُمَّتٍ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْكُوفَةِ؟»، یعنی «فاصله‌ی بین تو و کوفه چه مقدار است» (زهری، ۱۴۲۱: ۲۴۳/۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۲).

۳. کاربرد واژه‌ی امت در قرآن

واژه‌ی «أُمَّةً» در قرآن با «ال» به کار نرفته اما ۴۷ بار بدون «ال» و به صورت نکره، استعمال شده، که ۲۲ بار بدون صفت و ۲۵ بار دارای صفت است که در حالت اخیر، شامل موارد زیر است:

- الف)** دارای صفت به صورت مرفوع در آیات: ﴿أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ﴾ (بقره: ۱۳۴ و ۱۴۱)؛ ﴿أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾ (الاعمران: ۱۰۴)؛ ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ﴾ (الاعمران: ۱۱۳)؛ ﴿أُمَّةٌ مَّقْتَصِدَةٌ﴾ (مانده: ۶۶)؛ ﴿أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ﴾ (اعراف: ۱۵۹)؛ ﴿أُمَّةٌ مِنْهُمْ﴾ (اعراف: ۱۶۴).
- ب)** دارای صفات به صورت منصوب در آیات: ﴿أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ﴾ (بقره: ۱۲۸)؛ ﴿أُمَّةٌ وَسَطًا﴾ (بقره: ۱۴۳)؛ ﴿أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ﴾ (بقره: ۲۱۳)؛ (مانده: ۴۸؛ یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ انبیاء: ۹۲؛ مؤمنون: ۵۲؛ شوری: ۸؛ زخرف: ۳۳) ﴿أُمَّةٌ قَانِتًا﴾ (نحل: ۱۲۰) و ﴿أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ﴾ (قصص: ۲۳).
- ج)** دارای صفت به صورت مجرور: ﴿أُمَّةٌ مَعْدُودَةٌ﴾ (هود: ۸)، ﴿أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَّةٌ﴾ (رعد: ۳۰).

حاصل تتبع کاربردهای قرآنی واژه‌ی امت این شد که کلمه‌ی امت در هر عبارت قرآنی، به معنای محدوده‌ی خاص مقصود در آن گفتار می‌باشد؛ که شامل موارد زیر است:

۱-۳. زمان خاص

گاهی مراد از امت در آیات، زمان خاص است مانند آیه‌ی ﴿وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ؛ و اگر عذاب را تا زمانی اندک از آنان به تأخیر افکنیم﴾ (هود: ۸) در این آیه مراد از ﴿أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾، «زمان خاصی» است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰/۱۵۴) همین‌طور در آیه‌ی ﴿وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ؛ و آن‌کس از آن دو که نجات یافته و پس از چندی به خاطر آورده بود گفت﴾ (یوسف: ۴۵) که در آن مراد از ﴿بَعْدَ أُمَّةٍ؛ پس از مدتی از زمان﴾ است (همان: ۱۱/۱۸۸).

۲-۳. آیین خاص

گاهی واژه‌ی امت در آیات به معنای آیین خاص است مانند آیه‌ی ﴿إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ؛ گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما با پی‌گیری از آنان، راه یافتگانیم﴾ (زخرف: ۲۲).

۳-۳. گروه خاصی از زندگان

گاهی واژه‌ی امت در آیات، به معنای گروه خاصی از زندگان است مانند آیه‌ی ﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا؛

می‌فرماید در میان امت‌هایی از جنّ و انس، که پیش از شما بوده‌اند، داخل آتش شوید. هر بار که امتی درآید، هم‌کیشان خود را لعنت کند ﴿اعراف: ۳۸﴾ که در آن مراد از ﴿أُمَّةٌ لَعْنَتْ أَخْتَهَا﴾، «گروه خاصی از جن و انس» است.

۳-۴. گروه خاصی از انسان‌ها

گاهی واژه‌ی امت در آیات به معنای گروه خاصی از انسان‌ها است که هدف مشترکی را دنبال می‌کنند، مانند آیه‌ی ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ؛ وَحُونَ بِهِ آبٌ مَدْيَنَ رَسِيدٌ، گروهی از مردم را بر آن یافت که آب می‌دادند﴾ (قصص: ۲۳)؛ که با توجه به سیاق مراد «گروهی از چوپانان» است.

۳-۵. فرد خاص

گاهی واژه‌ی امت در آیات به معنای فرد خاص است، مانند آیه‌ی ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا؛ بِهِ رَاسِطِي إِبْرَاهِيمَ، امتی مطیع خدا و حق‌گرای بود﴾ (نحل: ۱۲۰) در این رابطه برخی آورده‌اند که: ابراهیم علیه السلام امتی بوده که تا مدتی تنها یک فرد داشته و آن هم خودش بوده، زیرا تا مدتی غیر از آن جناب فرد دیگری موحد نبوده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۸۳/۷).

حاصل تتبع این است که واژه‌ی امت در آیات الهی، در اکثر مواقع برای «گروهی از انسانها» استعمال شده و مقصود از امت در این نوشته هم، همین معنا است؛ البته در برخی از آیات، مراد «همه‌ی امت‌ها» و در برخی آیات مراد «امت اسلام» است.

۴. ویژگی‌های عامّ «امت‌ها» از منظر آیات الهی

برخی از آیات، ویژگی‌هایی را برای امت‌ها بیان کرده‌اند که مشترک بین همه‌ی آنها بوده و شامل همه‌ی امت‌ها می‌شوند؛ این ویژگی‌ها به قرار زیر است:

۴-۱. داشتن رسول

اولین ویژگی مشترک (عامّ) امت‌ها در قرآن، داشتن رسول است، این مطلب در برخی از آیات به صورت ایجابی آمده مانند: آیه‌ی ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا؛ وَدَر حَقِيقَتِ، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم﴾ (نحل: ۳۶) و آیه‌ی ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ؛ وَهَرِ أُمَّتِي رَا پيامبری است﴾ (یونس: ۴۷).

اما در برخی از آیات، به صورت سلبی آمده؛ مانند آیهی ﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ و هیچ امتی نبوده مگر اینکه در آن هشدار دهنده‌ای گذشته است ﴿فاطر: ۲۴﴾. در برخی از آیات نیز صراحتاً ذکر شده که مراد از واژه‌ی امت، امت کدام پیامبر است مانند آیهی ﴿وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةٌ﴾ و از میان قوم موسی جماعتی هستند که... ﴿اعراف: ۱۵۹﴾ و آیهی ﴿وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ و آن‌گاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا پند می‌دهید﴾ (اعراف: ۱۶۴) که با توجه به سیاق مرجع ضمیر ((مِنْهُمْ)) گروهی از امت موسی (علیه السلام) است.

۴-۲. برخوردار بودن از شرایع مختلف

دومین ویژگی مشترک (عام) امت‌ها در قرآن، «برخوردار بودن از شرایع مختلف» است، تبیین مطلب اینکه: عبارت قرآنی ﴿أُمَّةٌ وَاحِدَةً﴾ در ۹ آیه آمده (بقره: ۲۱۳؛ مانده: ۴۸ و یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ شوری: ۸؛ زخرف: ۳۳ انبیاء: ۹۲؛ مؤمنون: ۵۲) که بیانگر (یکی بودن دین همه امت‌ها) است زیرا رسولان آنها همگی از جانب خدا آمده‌اند، با وجود این، «شریعت» آنها متفاوت است؛ شاهد بر صحت این سخن، مفاد دو آیه زیر است:

الف) ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَاؤُا لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾؛ برای هر یک از شما (امت‌ها) شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد ﴿مانده: ۴۸﴾.

ب) ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا﴾؛ برای هر امتی مناسکی قرار دادیم ﴿حج: ۳۴ و ۶۷﴾. علامه طباطبایی (رحمه الله) نیز معتقدند: در عرف و اصطلاح قرآن، کلمه‌ی «شریعت» در معنایی خصوصی‌تر از معنای «دین» استعمال می‌شود، ایشان آورده‌اند: شریعت عبارت است از: طریقه‌ای که برای امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین شده باشد، اما «دین» عبارت است از «سنت» و «طریقه‌ی الهیه»، پس «دین» معنایی عمومی‌تر از «شریعت» دارد، و به همین دلیل «شریعت» نسخ می‌پذیرد، اما «دین»، نسخ‌پذیر نیست، علامه (رحمه الله) در ادامه آورده‌اند: خداوند بندگان خود را به یک دین متعبد کرده و آن «تسلیم خدا شدن» است اما اراده‌ی خداوند به این تعلق نگرفته که برای رسیدن بندگان

به این هدف یک شریعت واحد قرار دهد همان گونه که عبارت ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ گویای این مطلب است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۸/۵).

ایشان در جای دیگر آورده: «هر دین الهی دو دسته آموزه‌های بنیادین یعنی عقاید و احکام دارد. عقاید آموزه‌هایی پیرامون واقعیات هستی مانند خدا، عالم ملکوت، انسان، پیامبران، جهان آخرت است که دین ناظر به آن‌هاست و با گذشت زمان و تغییر امت‌ها دگرگون نمی‌شود، اما احکام، بیانگر رفتارهای فردی و روابط اجتماعی و قوانین کیفری و جزایی است که شریعت ناظر به آن‌هاست و با گذشت زمان و بسته به نیازها و مقتضیات هر عصر و هر امتی تغییر و تحول می‌یابد، بدین جهت قرآن، دین همه‌ی امت‌ها را یکسان، و شریعت‌ها را متفاوت دانسته است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰/۱۸؛ علامه رحمته در بقیه‌ی آیات نیز مشابه این مطالب را آورده‌اند (ر.ک: همان: ۱۱۱/۲؛ ۳۱/۱۰؛ ۱۱/۶۰؛ ۳۳۶/۱۲؛ ۱۹/۱۸؛ ۱۰۰/۱۴؛ ۳۲۱/۱۵؛ ۳۵/۱۵).

۳-۴. هدایتگر یا مجادله‌گر بودن

سومین ویژگی مشترک (عام) امت‌ها در قرآن «هدایتگر یا مجادله‌گر بودن» آنهاست، آیه‌ای که بیان‌کننده‌ی هدایتگر بودن برخی از امت‌ها است این آیه است: ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ؛ و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند﴾ (اعراف: ۱۵۹)؛ در مقابل گروه هدایتگر، برخورد برخی از انسان‌ها با رسولشان «مجادله‌گر» بودن آنهاست که آیه‌ی زیر گواه این مطلب است: ﴿وَهُمْ تَكْفُرُوا بِمَا آتَاهُمُ الْبُحْرَانُ فَاذْكُرُوا أَنفُسَكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ أَمْ لَمْ يَكُن لَكُمْ آيَاتٌ أَن تَقُولُوا إِن سِوَى اللَّهِ لَشَرٌّ مُّجْرِمُونَ﴾ (سجده: ۷۰)؛ و به باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند﴾ (غافر: ۵).

۴-۴. صاحب اجل بودن

چهارمین ویژگی مشترک (عام) امت‌ها در آیات «صاحب اجل بودن» است، یعنی همان‌طور که افراد بشر، اجل مشخصی دارند، امت‌های مختلف نیز، دارای اجلی مشخص هستند، مانند آیات:

﴿الْف) مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ؛ هیچ امتی نه از اجل خود پیشی می‌گیرد

و نه باز پس می ماند ﴿ (مؤمنون: ۴۳؛ حجر: ۵).

ب ﴿ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ؛ هر امتی را زمانی است. آن گاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی تأخیر کنند و نه پیشی گیرند ﴿ (یونس: ۴۹ و شبیه آن آیه در اعراف: ۳۴).

ج ﴿ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ؛ آن جماعت را روزگار به سر آمد ﴿ (بقره: ۱۳۴ و ۱۴۱).

د ﴿ كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ؛ بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن، امت‌هایی روزگار به سر بردند، فرستادیم ﴿ (رعد: ۳۰).

۵-۴. محشور شدن در سرای قیامت

پنجمین ویژگی مشترک (عام) «امت‌ها» در قرآن، «محشور شدن» است که در برخی از آیات، همانند آیات زیر به آن اشاره شده:

الف ﴿ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا؛ و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم ﴿ (نمل: ۸۳).

ب ﴿ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا؛ هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود ﴿ (جاثیه: ۲۸).

۶-۴. شاهد داشتن

ششمین ویژگی مشترک (عام) همه امت‌ها در قرآن، «شاهد داشتن» آنها است که در آیات زیر به آن اشاره شده:

الف ﴿ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ؛ پس چگونه است آن گاه که از هر امتی گواهی آوریم ﴿ (نساء: ۴۱).

ب ﴿ وَ يَوْمَ نُنَبِّئُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا؛ و روزی را که از هر امتی گواهی برمی‌انگیزیم ﴿ (۸۴: نحل).

ج ﴿ وَ نَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا؛ و از میان هر امتی گواهی بیرون می‌کشیم ﴿ (قصص: ۷۵).

۵. ویژگی‌های خاص امت اسلامی از منظر آیات شریفه

آن‌چه تاکنون بیان شد ویژگی‌های «عام» (مشترکی) بود که شامل همه ی امت‌ها می‌شد، در ادامه‌ی بحث، به بیان ویژگی‌هایی پرداخته می‌شود که خاص امت اسلامی است.



۱-۵. بهترین امت بودن

اولین ویژگی خاص امت اسلامی از منظر آیات شریفه، «بهترین امت بودن» است که در آیهی ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید ﴿آل‌عمران: ۱۱۰﴾ به آن اشاره شده برخی مفسران، مراد از ﴿خَيْرَ أُمَّةٍ﴾ را «بهترین گروه انسانی» (طبری، ۱۴۱۲: ۲۰۹/۱) و گروهی «بهترین دین» می‌دانند (اخفش، ۱۴۲۳: ۱۴۶؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

به نظر می‌رسد: قول به «بهترین گروه انسانی» ارجح است؛ زیرا با توجه به سیاق آیه یعنی ﴿أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ یکی از دلایل بهترین امت بودن، امر به معروف و ناهی از منکر بودن آنان است که صحت آن در گروه انسانی دانستن امت است؛ هر چند اگر مراد، بهترین دین هم باشد به طریق اولی، شامل گروه انسانی که بهترین دین را دارند هم می‌شود.

«امر به معروف و ناهی از منکر بودن» در سایر امت‌ها نیز وجود دارد، اما ذکر آن به عنوان دلیل برتری امت اسلام این است که انجام این وظیفه در این امت، همراه با مؤکدترین وجه یعنی «قتال» آمده؛ البته «امر به معروف و نهی از منکر»، ابزارهایی مانند قلب، زبان، دست و... هم امکان‌پذیر است اما «قتال» قوی‌ترین ابزار آن است که در دین اسلام برای ادای این فریضه، جایز دانسته شده؛ دلیل مؤکد بودن آن این است که در «قتال»، جان انسان در خطر است؛ یعنی پذیرش بزرگترین ضرر برای خود، برای رساندن بزرگترین نفع به غیر خود، از این جهت این امر موجب فضیلت امت اسلام شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۲۶/۸).

در تبیین مراد از خطاب «کُنْتُمْ» در آیهی ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید ﴿آل‌عمران: ۱۱۰﴾ دو قول مطرح است: یکی: اصحاب پیامبر ﷺ و دیگری همه‌ی مؤمنان؛ به نظر می‌رسد قول دوم صحیح است؛ زیرا در آیه، شاهد تعبیر «کُنْتُمْ» مأخوذ از ماده‌ی «كَانَ» هستیم؛ و «كَانَ» ناقصه و مشتقات آن، مجرد از زمان بوده و شامل همه‌ی زمان‌ها می‌شوند، مانند آیهی ﴿وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء:

۹۶ و ۱۰۰) که فعل «کان» آمده و مراد غفران و رحیمیت خداوند در همه‌ی زمان‌ها است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۳۷۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳/۱۹۹)؛ و اگر مراد تنها اصحاب پیامبر ﷺ بود، جا داشت در آیه‌ی «أنتم» می‌آمد نه «کنتم» (زطری، ۱۴۱۲: ۲۹/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲/۶۳).

به هر حال مزین بودن «امت اسلام» به صفت «خیر اُمَّةٍ» سبب شده که در برخی از روایات شیعی (حویزی، ۱۴۱۵: ۳/۵۲۳؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۴/۲۸۶) و نیز در برخی از روایات اهل سنت (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۴۸۷) عبارت «امت مرحومه» برای این امت ذکر شود و مزیت‌های فراوان دنیوی و اخروی برای آنان بیان گردد. به عنوان نمونه:

۱. در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده: «اعطیت ما لم یعط احد من انبیاء الله» قلنا یا رسول الله ما هو؟ قال: «اعطیت مفاتیح الارض و سمیت احمد، و جعل لی شراب الارض طهوراً، و جعلت امتی خیر الامم؛ آنچه که به احدی از انبیاء عطا نشده، عطا شدم»؛ گفتم یا رسول الله، آن چیست؟ فرمود: «کلیدهای زمین به من عطا شده، (احمد) نامیده شدم و نوشیدنی زمین برای من پاک قرار داده شد و امتم «بهترین امت» قرار داد شده» (مبیدی، ۱۳۷۱: ۲/۲۴۴)؛ در این روایت، برخی از مزیت‌های دنیوی امت اسلامی بیان شده است.

۲. در روایت دیگری از نبی اکرم ﷺ نقل شده است: «ما من امة الا بعضها فی النار و بعضها فی الجنة و امتی کلها فی الجنة، ان الجنة حرمت علی الانبیاء کلهم حتی ادخلها انا، و حرمت علی الامم حتی یدخلها امتی؛ هیچ امتی نیست مگر این که برخی از آنها در آتش و برخی در بهشت هستند در حالی که تمام امت من در بهشت هستند، بهشت بر همه‌ی انبیاء حرام شده تا این که من داخل آن شوم و بر همه امت‌ها حرام شده تا این که امت من داخل آن شود» (مبیدی، ۱۳۷۱: ۲/۲۴۴)؛ در این روایت، به برخی از مزیت‌های اخروی امت اسلام اشاره دارد.

۲-۵. امت وسط بودن

دومین ویژگی خاص امت اسلام، «امت وسط بودن» است که در آیه‌ی ﴿وَ کَذَٰلِکَ جَعَلْنَاکُمْ اُمَّةً وَّ سَطَاطًا؛ و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم﴾ (بقره: ۱۴۳) به آن اشاره شده است؛ در روایتی نیز آمده: «الْاُمَّةُ الَّتِی وَجِبَتْ لَهَا دَعْوَةُ اِبْرَاهِیْمَ کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

وَهُمُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَىٰ وَهُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۶۳/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۹۸/۱)؛ امتی که ابراهیم علیه السلام از پروردگار در خواست نمود، (که از فرزندان او پیامبری را برانگیزد) آنها بهترین امت و امت وسط هستند که در جامعه‌ی انسانی وجود دارند.

در مورد مراد از «امت وسط» بودن امت اسلامی، اقوالی مطرح است؛ از قبیل:

الف) برخی مراد از «امت وسط» بودن در آیه را، «امت عادل» بودن می‌دانند، باورمندان به این دیدگاه، دلایلی را ذکر کرده‌اند از جمله:

۱. در آیه‌ی ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ﴾ (قلم: ۲۸) مراد از «أَوْسَطُهُمْ»، «أَعْدَلُهُمْ» است (طوسی، بی تا: ۱۰/۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۶/۱۰) برخی علاوه بر استناد به این آیه، گفته‌اند: مراد از «أَوْسَطُ» در آیه‌ی ﴿مِنَ الْأَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ﴾ (مائده: ۸۹) نیز، «أَعْدَلُ» بودن است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱/۱۴۵)؛ در نزد صاحبان این قول، مراد از «وسط»، در آیه‌ی مورد بحث نیز «عدل» و مراد از «امت وسط»، «امت عادل» است.

۲. مراد از «وسط» این است که به یکی از دو طرف مایل نمی‌شوند و «عدل» هم به یکی از دو طرف مایل نمی‌شود (ابن عربی، ۱۴۱۰: ۲۱۴/۱) پس مراد از «وسط بودن امت اسلام»، «منحرف نشدن به طرفین» و «عادل بودن» است.

۳. مراد از آیه مذکور، «مدح امت اسلام» است که در صورت عادل بودن آنان، امکان‌پذیر است (ابن عادل، ۱۴۱۹: ۱۲/۴۱۲).

ب) همه‌ی دلایل گفته شده برای «عدل» دانستن معنای «وسط»، قابل جمع و صحیح هستند. برخی مراد از «امت وسط» در آیه‌ی ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ را «امت برگزیده» می‌دانند و دلایلی برای قول خود ذکر کرده‌اند از جمله:

۱. امت اسلام در دین، افراط و تفریط نمی‌کنند لذا «امت وسط» و «برگزیده» هستند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۱۰/۱؛ کاشانی، ۱۳۱۳: ۳۱۴/۱)

۲. مکانی که امت اسلامی در آن زندگی می‌کند، به لحاظ جغرافیایی، در وسط دنیا قرار دارد و مکانی برگزیده است که به دلیل احاطه‌ی اطراف بر آن، دشمن به آن دسترسی ندارد (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۱۷۲/۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸/۲).

ج) بعضی نیز هر دو قول «امت عادل» و «امت برگزیده» را ذکر کرده‌اند، اما قول به

«برگزیده بودن» را ارجح دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۵۳/۲) از میان این گروه، برخی دلیل رجحان «برگزیده بودن» را این دانسته‌اند که: عزت و برگزیده بودن از لوازم معنای «وسط است» (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸/۲).

د) دسته‌ای نیز هر دو قول را متقارب دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۸۷/۴)؛ برخی نیز، ضمن پذیرش هر دو قول، آورده‌اند: در ادامه‌ی آیه، عبارت ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ ذکر شده، یعنی «وسط» بودن امت اسلامی برای این است که شاهد بر مردم هستند و تنها «شهادت عادل و برگزیده» صحیح است (نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۴۲۲/۱؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۱۷۳/۱).
به دلیل مجموعه دلایل ذکر شده و عدم تناقض آنها با یکدیگر، قول اخیر که دربرگیرنده‌ی همه‌ی اقوال است ارجح است.

ابن‌عاشور، در پاسخ به این پرسش که مقصود از گروه مذکور در قالب فراز «جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» چه کسانی هستند؟ گفته است: با توجه به سیاق آیه، یعنی «رو به قبله بودن به هنگام نماز خواندن» که مربوط به همه‌ی مسلمانان است، پس «عادل و برگزیده بودن» نیز شامل همه‌ی مسلمانان می‌شود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱۸/۲).

۳-۵. شاهد بر مردم بودن

سومین ویژگی خاص امت اسلامی «شاهد بر مردم بودن» است که در آیه‌ی ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً﴾ (بقره: ۱۴۳) به آن اشاره شده؛ برخی مفسران، تأخیر جار و مجرور «عَلَى النَّاسِ» بر «شُهَدَاءَ» را دلیل «اثبات شهادت آنان بر سایر امت‌ها» دانسته‌اند؛ همین‌طور، در ادامه‌ی آیه، تقدیم جار و مجرور «عَلَيْكُمْ» بر «شَهِيداً» را دلیل اختصاص دادن آنان به این که رسول، شاهد بر آنان است دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۰۷/۳؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۱۷۳/۱؛ ابن‌جزی، ۱۴۱۶: ۹۹/۱).

۴-۵. متصف بودن به صفات نیک امت‌های قبل

چهارمین ویژگی خاص امت اسلامی، «متصف بودن به صفات نیک امت‌های قبل» است؛ در برخی از آیات، ویژگی‌هایی برای اهل کتاب ذکر شده که از باب نمونه به دو آیه در این راستا اشاره می‌شود:

۱-۴-۵. ﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درست کردارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند به خدا و روز قیامت ایمان دارند؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز درباره‌ی آن ناسپاسی نینند، و خداوند به [حال] تقوا پیشگان داناست ﴿(العمران: ۱۱۳-۱۱۴).

در این آیه، کلیاتی از صفات پسندیده برخی از اهل کتاب بیان شده که شامل موارد زیر است:

الف) استواری و استمرار در ایمان، مستفاد از عبارت ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ زیرا فعل مضارع «يُؤْمِنُونَ» دلالت بر آن دارد.

ب) استمرار در امر به معروف و ناهی از منکر بودن، مستفاد از عبارت ﴿يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ زیرا جامعه‌ی مومن، آموزه‌های دینی خود را با تمام نیرو حفظ می‌کند و در برخورد با افراد متخلف سکوت نمی‌کند و فرد خاطی به حال خود رها نشده و حتماً با تذکرات دیگران مواجهه می‌شود.

ج) استمرار مسارعت افراد در انجام امور خیر، مستفاد از جمله ﴿يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ در فهم دقیق عبارت مذکور، ذکر سه نکته لازم است:

۱) نکته‌ی اول این که فعل «يَسَارِعُونَ»، مضارع باب «مفاعله» از ریشه «سرع» است؛ لغویان بین دو ریشه‌ی «سرع» و «عجل» تفاوت قائلند و معتقدند که «سرع» به معنای جلو افتادن در کاری است که جلو افتادن در آن پسندیده است به خلاف «عجله» که به معنای جلو افتادن در کاری است که نباید در آن شتاب کرد، بنابراین سرعت پسندیده و عجله ناپسند است (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۹۸) برخی از مفسران دارای گرایش ادبی نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/۲۵۰).

۲) نکته‌ی دوم این که واژه‌ی «الْخَيْرَاتِ» در آیه به دلیل قاعده‌ی ادبی «جمع محلی به

«ال»، افاده‌ی عموم دارد» (حسینی طهرانی، ۱۳۶۴: ۶۳۹/۲) و دلالت بر مطلق «خیرات» می‌کند؛ برخی از مفسران ادبی مسلک نیز در ذیل کلماتی که این شرایط را دارند به این نکته ادبی اشاره کرده‌اند (شیخزاده، ۱۴۱۹: ۴۹۲/۱؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱/۳۲۰).

۳) نکته‌ی سوم این که حرف جر (کلمه‌ی «فی») در ﴿يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾ دال بر این مطلب است که خیر در آنها مستقر است و آنها خارج از «خیر» نیستند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲/۲۵۰). حاصل نکات گفته شده اینکه اهل کتاب متصف به این صفت، در انجام مطلق اعمال خیر، سرعت دارند.

بنابر مطالب گفته شده، آیه‌ی مذکور برای برخی از اهل کتاب سه ویژگی «استمرار در ایمان»، «آمر به معروف و ناهی از منکر بودن» و «مسارعت در خیرات» را قائل است که این سه ویژگی برای امت اسلام نیز ذکر شده:

الف) ویژگی اول یعنی «استمرار در ایمان به خدا» در آیه‌ی ﴿وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ؛ به خدا ایمان دارید﴾ (آل‌عمران: ۱۱۰) آمده که بنابر نظر برخی از مفسران، دلالت بر استواری و استمرار ایمان امت اسلام دارد (سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲: ۳/۳۶۲؛ بقاعی، ۱۴۲۷: ۷/۴۳۹).

ب) ویژگی «آمر به معروف و ناهی از منکر» نیز در آیه‌ی ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید﴾ (آل‌عمران: ۱۱۰) برای امت اسلامی بیان شده است (همان‌طور که در بحث «بهترین امت» به آن پرداخته شد).

در آیات دیگری نیز به این امر اشاره شده از جمله در آیه‌ی ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ و باید از میان شما، گروهی، به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند﴾ (آل‌عمران: ۱۰۴) که مفسران مراد از «أُمَّةٌ» در آیه را، امت اسلام می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲: ۴/۲۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۲۳۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۱/۳۷۴).

لازم به ذکر است: به گفته برخی از مفسران، کلمه‌ی «من» در عبارت ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ﴾ برای تبعیض است، چون امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است و هنگامی که در هر جامعه‌ای عده‌ای این کار را انجام دهند، تکلیف از سایرین ساقط می‌شود

(طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۳۷۴).

ج) ویژگی سوم یعنی «مسارعه در انجام خیرات» نیز به گواهی سیاق آیهی ﴿أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ؛ آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند﴾ (مؤمنون: ۶۱)، برای امت اسلام آمده که مضمونی مانند آیهی مذکور (آل عمران: ۱۱۴) دارد.

۲-۴-۵. دومین آیه‌ای که ویژگی مثبت اهل کتاب را ثابت می‌کند آیهی ﴿وَمِنْ قَوْمٍ مُّؤَسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ؛ و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند﴾ (اعراف: ۱۵۹) است.

به دلیل برتری امت اسلام بر سایر امت‌ها، این امت نیز می‌بایست این ویژگی را دارا باشد، آیهی ﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ؛ و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند﴾ (اعراف: ۱۸۱)؛ این آیه، مضمونی شبیه آیهی اخیر (اعراف: ۱۵۹) دارد که مفسران، مراد از «أُمَّةٌ» در آیه را «امت اسلام» می‌دانند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲/۶۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۴۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۲۲۱؛ ابن حموش، ۱۴۲۹: ۴/۲۵۹۴).

نکته‌ی قابل توجه این‌که: ویژگی‌های گفته شده برای «امت اسلامی» بر «اغلب امت» حمل می‌شود و این امکان هست که افراد معدودی در این امت باشند ولی از این ویژگی‌ها برخوردار نباشند، همان‌طور که برخی از مفسران نیز، به این مطلب اشاره کرده‌اند (شرفی‌رضی، ۲۲۴/۵: ۱۴۰۶).

نتیجه‌گیری

یکی از آموزه‌های قرآن، بیان ویژگی‌های امت‌ها در طول تاریخ است، حاصل تتبع در کاربردهای واژه‌ی «امت» و آنچه که در قالب این پژوهش بیان شد این است: در قرآن کریم، یک سری ویژگی‌هایی برای امت‌ها ذکر شده که مشترک (عام) بین همه‌ی امت‌ها هستند؛ از جمله: «داشتن رسول»، «برخوردار بودن از شرایع مختلف»، «هدایت‌گر یا مجادله‌گر بودن»، «صاحب اجل بودن»، «محشور شدن در سرای قیامت» و «شاهد داشتن».

«امت اسلام» علاوه بر ویژگی‌های مشترک بین همه‌ی امت‌ها، دارای یک سری ویژگی خاص است که آن را از امت‌های دیگر متمایز کرده، این ویژگی‌ها نیز عبارتند از: «بهترین

امت بودن»، «امت وسط بودن»، «شاهد بر مردم بودن»، «متصف بودن به صفات نیک
امت‌های قبل»؛

به دلیل همین ویژگی‌های نوع دوم، شایسته است که مسلمانان در عصر حاضر، جهت
ازدیاد امت اسلام اقدام کنند؛ تا در کنار برخورداری از امتیازات کیفی؛ از امتیاز کمی نیز
برخوردار باشند.



کتابنامه

۱. قرآن کریم، فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۸)، ترجمه دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چ ۳، تهران.
۲. ابن جزی، محمدبن احمد (۱۴۱۶)، *التسهيل لعلوم التنزيل*، چ ۱، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم، بیروت.
۳. ابن حموش، مکی (۱۴۲۹)، *الهدایة إلى بلوغ النهاية، جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمي*، شارجه.
۴. ابن عادل، عمر بن علی (۱۴۱۹)، *اللباب فی علوم الكتاب*، چ ۱، دارالکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۵. ابن عاشور، محمداظهر (۱۴۲۰)، *تفسیر التحرير و التویر*، مؤسسة التاريخ العربي، بیروت.
۶. ابن عربی، محمدبن علی (۱۴۱۰)، *رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن*، چ ۱، مطبعة نصر، دمشق.
۷. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، چ ۱، مكتب الاعلام الاسلامی، قم.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۹. ابن مثنی، ابو عبیده، معمر (۱۳۸۱)، *معجاز القرآن*، مكتبة الخانجي، قاهره.
۱۰. ابن منظور، محمدبن مكرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چ ۳، دار صادر، بیروت.
۱۱. ابوالسعود، محمدبن محمد (۱۹۸۳)، *تفسیر ابی السعود* (ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۲. اخفش، سعیدبن مسعده (۱۴۲۳)، *معانی القرآن، دارالکتب العلمية*، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۱۳. ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱)، *تهذیب اللغة*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۴. آلوسی، محمودبن عبدالله (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، دارالکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۱۵. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۵)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، قم.
۱۶. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷)، *نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور*، دارالکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۱۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *أنوار التنزيل و أسرار التأویل*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۸. حسینی طهرانی، سیدهاشم، (۱۳۶۴)، *علوم العربية*، چ ۲، مفید، تهران.
۱۹. زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چ ۱، دارالفکر، بیروت.
۲۰. زرکشی، محمدبن بهادر (۱۴۱۰)، *البرهان فی علوم القرآن*، دارالمعرفة، بیروت.
۲۱. سلطان علی شاه، سلطان محمدبن حیدر (۱۳۷۲)، *متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی*

مقامات العبادة، سرالاسرار، تهران.

۲۱. سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶)، *تفسیر بحر العلوم*، دارالفکر، بیروت.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، کتابخانه‌ی عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، قم.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۲۱)، *الإتقان فی علوم القرآن*، دارالکتاب العربی، بیروت.
۲۴. شریف‌الرضی، سیدمحمدبن حسین (۱۴۰۶)، *حقائق التأویل فی مشابه التنزیل*، دارالأضواء، بیروت.
۲۵. شیخ‌زاده، محمدبن مصطفی (۱۴۱۹)، *حاشیه محیی الدین شیخ‌زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی*، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.
۲۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتاب الثقافی، عمان.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، ناصر خسرو، تهران.
۲۹. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالمعرفة، بیروت.
۳۰. طوسی، محمدبن حسن (بی تا)، *التیاب فی تفسیر القرآن*، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۳۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۴، اسماعیلیان، قم.
۳۲. عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)، *الفروق فی اللغة*، دارالافاق الجدیدة، بیروت.
۳۳. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰)، *التفسیر العیاشی*، مکتبه‌ی العلمیة الاسلامیة، تهران.
۳۴. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، ج ۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۵. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۵)، *تفسیر الصافی*، ج ۲، مکتبه‌ی الصدر، تهران.
۳۶. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
۳۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا)، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، کتاب‌فروشی اسلامیة، تهران.
۳۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۹. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۰. میبدی، احمدبن محمد (۱۳۷۱)، *کشف الاسرار و عدة الأبرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ج ۵، امیرکبیر، تهران.
۴۱. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت.

الأخبار